



انترناسیونال

۹۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۴ تیر ۱۳۸۴، ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

منصور حکمت کاری کرد که ...

روجا امیدی از ایران

صفحه ۳

جنایت اسلامیها

در لندن را محکوم میکنیم

صفحه ۶

قربانیان نظم نوین و دموکراسی بوش و شرکا

قتل طیب احسان و ابوغسان در موصل را
محکوم میکنیم

صفحه ۶

آلمان جهنم کار و بهشت سرمایه!

در حاشیه رویدادها

سیاوش مدرسی

صفحه ۸



حمید تقوایی در حال تقدیم دسته گلی به سعیده رازانی
مادر منصور حکمت در مراسم بزرگداشت در تورنتو
صفحه ۷



بیاد منصور حکمت یک حفره پر نشدنی در زندگی ما! آذر ماجدی

میخواهم صحبت کنم. درباره جوانب
مختلف تئوری و سیاست های
منصور حکمت و نقش او در جنبش

صفحه ۲

یک بار دیگر میخواهم به همه شما
خوشامد بگویم. خوشحالم که
توانستیم با هم، در کنار هم، یاد
منصور حکمت را در سومین
سالگردش گرامی بداریم.
من امروز نمیخواهم سخنرانی
کنم. میخواهم با شما حرف بزنم.
راجع به شخصیت منصور حکمت



اوضاع سیاسی در ایران

پایان یک دوره

در حیات رژیم اسلامی

قسمت دوم

علی جوادی

مرد شماره دو اوباش اسلامی، گوشه
ای از انعکاس تند پیچهای سیاسی
آتی جامعه در "بالا" است. چرا
احمدی نژاد؟ نتایج و پی آمدهای
سیاسی چنین تغییر و تحولی در
شرایط کنونی چیست؟ فضای
سیاسی در اپوزیسیون، صحنه
سیاسی ایران دستخوش چه

صفحه ۴

اوضاع سیاسی در ایران به شدت
متحول است. قرار گرفتن احمدی
نژاد در پست ریاست جمهوری و
کنار زده شدن هاشمی رفسنجانی،



گزارشی از مراسم گرامیداشت منصور حکمت

سیاوش دانشور

روز شنبه دوم ژوئیه بدعوت
آذرماجدی و حزب کمونیست کارگری
ایران بخشی از همزمان و ایران
منصور حکمت بمناسبت سومین
سالروز درگذشت اش در های گیت
لندن اجتماع کردند. سه سال گذشته
است اما هنوز چهره ها را ماتم و
حسرتی عمیق احاطه کرده است.
برخی را سخت بتوان بازشناخت،
گوئی در این سه سالها پیر شده اند.

صفحه ۵

اطلاعیه پایانی
نشست وسیع
کمیته خارج کشور
حزب کمونیست
کارگری ایران

صفحه ۸

پلنوم بیست و سوم
کمیته مرکزی حزب برگزار شد

صفحه ۶

گزارشی از نتایج مذاکره
کارگران اخراجی شاهو در سنندج

صفحه ۷

کارگر کمونیست ۱۳

منتشر شد

www.wpiran.org/kk-index.htm

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کمونیسم کارگری سخنرانی های بسیاری شده است. درباره شخصیت اش، از جوانب مختلف کم صحبت شده است.

در کتاب بیوگرافی منصور حکمت، نوشته سهیلا شریفی (توصیه میکنم همه بخوانید خیلی جالب است) يك عکسی از ژوبین هست در کنگره ۳ که ژوبین زیر یک میز خوابیده است. این عکس بنظر من خیلی خوب شخصیت ژوبین را معرفی میکند، فکر میکنم مونا و کسانانی که از نزدیک او را میشناختند، با من موافق باشند. این عکس نه تنها شخصیت او را به ما نشان میدهد، بلکه روزنه ای است به شیوه زندگی او.

داستان این عکس را برایتان بگویم. شب نخوابیده، بیشترین سخنرانی ها در کنگره به عهده اوست، تقریباً تمام قطعنامه های اصلی را تهیه کرده است. ولی کار نادر فقط تدارک سیاسی کنگره، تهیه قطعنامه ها، سخنرانی ها و جهت دادن به کنگره نبود. در امر تدارکات عملی آن هم از نزدیک شرکت داشت: در امور امنیتی، ترانسپورت، حتی تهیه محل خواب برای شرکت کنندگان، در تمام این جزئیات از لحظه اول تا آخر شرکت داشت. باتمام گروه های مختلف کاری جلسه گرفته بود و اطمینان حاصل کرده بود که کارها بخوبی پیش خواهد رفت. به تمام هتل ها سر زده بود تا مطمئن شود که همه شرکت کنندگان وضع شان مناسب است و مشکلی ندارند. بعد از اینهمه کار تازه می آمد با بچه ها هم وقت میگذرانند. آن وقت بعد از این همه دودیدن آن سخنرانی های زیبا و بیاد ماندنی را در کنگره ایراد کرد. چه سخنرانی افتتاحیه، چه سخنرانی درباره اوضاع سیاسی، در رابطه با جنبش کارگری و بویژه سخنرانی تاریخی اش، اوضاع سیاسی و موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری. آنچنان خسته بود که احتیاج داشت يك جایی برای چند دقیقه استراحت کند. رفته بود زیر میز دراز کشیده بود و خوابش برده بود و کسی از او عکس گرفته است.

این عکس بنظر من شخصیت ژوبین، نادر یا منصور حکمت، به

هر اسمی که بیشتر برایتان نزدیک است را خیلی خوب نشان میدهد. همان انسان افتاده و متواضع، و به اصطلاح عامیانه، خاکی، پرکار، پرشور، منشا و خالق بسیاری از لحظات مهم و تعیین کننده و تاریخی حزب.

يك انسان پرشور که وجودش محیط را به جنب و جوش می انداخت. سخنرانی هایش همیشه انسان را با خود به يك دنیای دیگر میبرد. همین الان که داشتیم

های زنده که مردم زنگ میزنند، يك لحظه از یاد نمیرود. يك تصویری است که دائم با انسان است، گویی دائم دارد راهنمایی ات میکند، برو اینجا، برو آنجا، اینجا اشتباه کردی، این کار را نمی بایست میکردی، این تصمیم مناسب نبود.

برای من اینطور است. تصویرش ۲۴ ساعته مثل يك "اسلاید شو" در ذهنم حرکت میکند. درحالات مختلف، در حال سخنرانی، در حال کار، در حال شوخی و خنده، بازی با بچه ها، در بستر بیماری، در لحظات آخر زندگی، در لحظه وداع. این



لحظه رفع خستگی در کنگره سوم

تصاویر مدام دارند از مقابل چشمانم عبور میکنند.

طی این سه سال، سه سال سختی که در زندگی نه تنها شخصی، بلکه سیاسی و حزبی، پشت سر گذاشتیم، بطور دائم فکر میکردم که اگر نادر بود چه میکرد؟ او چگونه برخورد میکرد؟ او چه تصمیمی می گرفت؟ آنچنان عمیق در این فکر غرق میشوم که گاهی حالت احضار روح پیدا میکند. ولی آنگاه بلافاصله بخودم میگویم که اگر او بود هیچکدام از این اتفاقات نمی افتاد، دنیا طور دیگری میبود. آن وقت است که با درد خاصی متوجه میشوی که این حفره پر نشدنی است.

یادم است چند وقت پیش رفتم دکتر. حالم خوب نبود. به دکتر گفتم سه سال گذشته چرا این مساله حل نمیشود، چرا این غم و درد تمام نمیشود. گفت چرا حل نمیشود،

زمان لازم دارد. گفتم آخر زنی در همسایگی که در موقعیت مشابه ای است (همسرش را از دست داده و پسرش با پسر من دوست است) به من گفت که دو سالگی نقطه عطف است. بعد از دو سال تحمل اش آسان میشود. پس چرا برای من اینطور نیست؟

بعد متوجه میشوم که این به شخصیت ژوبین برمیگردد، این آدم، آدم ویژه ای بود. زندگی را برای همه ما آسان کرده بود. برگردید به گذشته فکر کنید. چندی پیش با علی جوادی صحبت میکردیم، که تا سه سال پیش زندگی سیاسی چقدر لذت بخش بود، چقدر آسان بود، چقدر شیرین بود. نادر با بولدوزر زمین را کوییده بود و جلو جلو حرکت میکرد و ما کارمان را میکردیم، سخنرانی میکردیم، مقاله مینوشتیم، برنامه رادیویی میساختیم، به میتینگ و تظاهرات میرفتیم. و حالا چقدر مبارزه سیاسی سخت تر است. هر روز از نو باید انرژی را جمع کنی و به جنگ موانع پیشروی بروی.

آن حفره هست و آن ستون محکم و استوار دیگر نیست.

به سخنرانی ای که همین امشب شنیدیم فکر میکردم. در کنگره ۲ بود. من آنجا بودم. از سخنرانیش بسیار لذت بردم. ولی راستش من آن روز متوجه نشدم که نادر قطار را به کجا می خواهد ببرد، آن طوری که امروز وقتی برمیگردم و به ۷ سال پیش فکر میکنم کاملاً مسیر را با پیچ و خم هایش و با تصاویر تغییر کرده اش از ذهن میگذرانم. نمیدانم چند نفر از شمايي که در آن کنگره بودید آن روز مقصد را دیدید و مسیر را دیدید؟

آیا واقعا تصاویر عوض نشده است؟ به حد غیر قابل تشخیصی عوض نشده است؟ ژوبین میدانست می خواهد این قطار را به کجا ببرد. این تصاویر و این مسیر را با پیچ و خم هایش میشناخت. و این خاصیت ژوبین بود. از پیش دقیقاً میدانست که باید به کجا برویم، چه موانعی بر سر راه هست، چه مشکلاتی پیش خواهد آمد و خودش و حزب را برای پرش از موانع و برخورد و حل مشکلات آماده میکرد. من درکنارش زندگی میکردم و این موانع را نمیدیدم.

همراه او، درست تر بگویم بعد از او از روی مانع می پریدم. دست مان را

میگرفت و از روی مانع میپراند. الان که به گذشته فکر میکنم میتوانیم این ویژگی برجسته و متمایز او را درک کنیم و به این خاطر است که این حفره هیچگاه پر نمیشود.

دوربینی، بصیرت و آمادگی کامل برای مقابله با مشکلات از خصوصیات برجسته ژوبین بود. برای تمام سناریوهای ممکن طرح و برنامه از پیش داشت. خطر پذیر بود ولی بی احتیاط نبود. مدام در حال تغییر اوضاع بود ولی به شکلی کاملاً مسئولانه. به وضع موجود هیچگاه رضایت نمیداد. در پیروزی لم نمیداد. خودفرب نبود. در کمال انسانیت و شفقت بیرحم بود. نه نسبت به انسان ها، بلکه نسبت به تنبلی، نسبت به جا خوش کردن، نسبت به کم رضایت دادن، نسبت به خود فریبی.

داشتم فکر میکردم که این سخنرانی افتتاحیه کنگره ۲ شروع حرکت برای آوردن حزب به "وسط گود استخر" سیاست بود. و نادر حزب را آورد به وسط گودی استخر سیاست. متأسفانه خودش با ما نماد تا ببیند که تصاویر تا چه حد تغییر کرده است. خودش نماد تا حزب را حتی بهتر و سریعتر ببرد جلو. درست زمانی که دارد در ایران انقلاب میشود.

لکوموتیورانی بود که قطار را به راه انداخت، سوت زد همه را سوار کرد، خودش توانست تا آخر با قطار بماند ولی قطار همچنان دارد با سرعت به جلو میرود و همچنان تصاویر دارند به سرعت تغییر میکنند. چنان به این قطار سوخت داده است که قطار با سرعت دارد به پیش میرود. يك عده سال گذشته از قطار پیاده شدند ولی قطار بدون توقف دارد به جلو میرود و تصاویر دارند سریعاً تغییر میکنند. و تلویزیون که نقش مهمی در تغییر این تصاویر دارد، رویای منصور حکمت بود، فشار او بود، حتی در بستر بیماری بارها و بارها بر لزوم آن تاکید کرد و ما پس از مرگ او بدست آوردیم.

هفته گذشته يك خانمی زنگ زد. میخواست درد دل کند. از دردهای زندگی بگوید. میگفت که مدتها بوده میخواست زنگ بزند و صحبت کند. تازه از زندان آزاد شده

از صفحه ۲

بیاد منصور حکمت

بود. از مردی شکایت کرده بود، خود او را به زندان انداخته بودند. از وضعیت زندان زنان میگفت، از عجز و بدبختی این زنان بخت برگشته و کودکانی که خانه شان زندان است. قلب انسان به درد میامد. آخر صحبت اش گفت: "به علی ابن ابی طالب منصور حکمت با شماست، پشت شماست."

بمحض شنیدن این صحبت گفتم ما رفته ایم وسط گود استخری که نادر میگفت باید برویم. ما الان در گودی هستیم. گفتم دیگر ما هستیم و جمهوری اسلامی، ما هستیم و اپوزیسیون راست. دیگر طرف ما گروه های کوچک و حاشیه ای چپ نیستند. ما رفتیم آن جایی که نادر با آن همه تلاش میخواست ما را به آنجا ببرد. ما رفته ایم به آنجایی که نادر در کنگره ۲ در همین سخنرانی سوت اش را زد و همه را به سوار شدن به قطار فراخواند. "به علی ابن ابی طالب!" دیگر بحث بر سر سوسیالیسم علمی و مناسبات تولید و شرایط عینی و ذهنی نیست. بقول منصور حکمت این بحث ها را کردیم، خوب هم کردیم، یک گنجینه غنی هم داریم. الان وقت رفتن به وسط مبارزه سیاسی است.

نامه ای داشتم از یک دختر ۲۴ ساله از افغان. از تلویزیون تعریف میکنند. به جمهوری اسلامی میگویند اگر حجاب ها را هم بردارید باز شما را خواهیم انداخت. دریایان نامه مینویسد: "امروز آرزو داشتم که منصور حکمت هم بود و این روزهای شور و شر را میدید. واقعا جای منصور حکمت خالی است. ولی یاد او همیشه در قلب ها و خاطره مان جای دارد. و هرگز فراموش نمیشود." یک روز هم در زندگیش منصور حکمت را ندیده است. حتی در تلویزیون هم فقط فیلم های سخنرانی هایش را دیده است. یک دختر ۲۴ ساله. ولی یک چیزی در وجود منصور حکمت هست، یک چیزی از خودش ساطع میکند که این چنین در قلب ها و اذهان انسان ها جا باز میکند.

امروز یک جوان دانشجو از تهران زنگ زد و گفت که جمعی هستند در دانشگاه و میخواستند اند برای مراسم یادبود منصور حکمت گل بفرستند، آدرس های گیت را میخواست. بعد زنگ زد و گفت که برای ارسال گل دیر شده است و ما از طرف آنها گلی بر پای مجسمه منصور حکمت گذاشتیم. قبلا هم از ما پوستر خواسته بود برای گرامیداشت منصور حکمت در تهران.

اینها همه بیانگر جایگاه منصور حکمت در این جنبش است. نقشی که در زندگی تک تک ما بازی کرده است. نقشی که هنوز دارد پس از مرگش در زندگی هزاران انسان بازی میکند. انسان هایی که حتی یک روز هم او را در زندگیشان ندیده اند.

هفت سال پیش وقتی که این سخنرانی را کرد، میدانست که میخواهد حزب را به کجا ببرد. ما اکنون به آن جا رسیده ایم. هنوز راه

زیادی در پیش داریم تا مقصد. ولی به جایی رسیده ایم که توانسته ایم بدون گرفتن قدرت در زندگی مردم منشاء اثر باشیم. حزب وسیعی باشیم که مردم دوستش دارند. حزب وسیعی ای که دیگر خیلی ها را در آن نمی شناسیم. رفقای ما در گوشه ای فعالیت درخشانی میکنند و ما

قدم برمیذاریم. دو بار از درون به ما حمله شد. یکبار خود او بود. بار آخر او همراه ما نبود. ما از جدال شاداب تر، قوی تر، پرشورتر و طلبکار تر بیرون آمدیم. و اینها همه، بنظر من، خاصیت کمونیسم منصور حکمت است که در حزب ماست و با ماست. و هرکس که یک سخنرانی او را



میشوند، یک اثرش را میخواند، عکسی از او می بیند همین احساس را میگیرد.

داشتم با خودم فکر میکردم که چرا این چنین است. سه سال گذشته است و هنوز این فخره خالی است؟ هنوز همیشه همراهت است. در جلسه، در مبارزه، در شادی، در غم، در میتینگ، در تظاهرات؟ فکر کردم به خاطر تائیری است که در زندگی تک تک ما داشته است. چنان زندگی تک تک ما را تغییر داده است، چنان افقی را در مقابل ما گسترده است، که همیشه جای خالی او را احساس میکنیم. آنقدر سوخت در این قطار گذاشته است که حتی پس از رفتن اش هم این قطار بتواند

مدتی طول میکشد تا بفهمیم که این کار ماست. کار جنبش ماست. کار حزب ماست.

از زمانی که در پی تفکرات بسیار کلید پیروزی کمونیسم را در دنیای معاصر پیدا کرد، فهمید که باید چگونه مبارزه و حرکت کنیم. چگونه به وسط مبارزه سیاسی برویم، در بستر اصلی مبارزه سیاسی قرار گیریم، حزب رادیکال منشاء اثر باشیم، حزب را در ریل درست انداخت و بسمت این مقصد به حرکت درآورد. او رفت ولی حزب دارد به سوی مقصد حرکت میکند. و بقول او هرگاه هم که بما حمله میکنند ما طلبکار تر از جدل بیرون میایم. قوی تر و استوار تر در راه

خستگی کار زیاد در هدایت حزب منصور حکمت را میدیدم و در عین حال صلابت یک ادامه دهنده راه منصور حکمت بدون کوچکترین سازش.

در چهره رفیق آذر ماجدی، یک همرمز و تلاشگر خستگی ناپذیر که بر شخصیت جالب منصور حکمت تاکید داشت و در چهره رفیق علی جوادی یک مبلغ پرشور که بر جنبه های پر اهمیت کار منصور حکمت انگشت گذاشت.

امروز در شرایطی این مراسم برگزار شد که جامعه ایران دیگر منصور حکمت و حزمش را میشناسند و آنرا امید خود

با سرعت بجلو برود، تصاویر سریعا تغییر کند و ما او را در کنار خود احساس کنیم.

هنوز میشود ساعت ها درباره شخصیتش صحبت کرد. من هنوز نتوانستم نصف آنچه را که میخواستم بگویم. بعضی وقت ها با خود فکر میکنم که چرا مردم اینقدر ژوین را دوست دارند. آیا به این خاطر است که مارکسیست بزرگی بود؟ البته که او مارکسیست بزرگی بود، ولی آیا به این خاطر است؟ هم آره هم نه. به این خاطر است که بقول خودش، برای او "سوسیالیسم درباره آدم است." "اساس سوسیالیسم انسان است." این جوهر شخصیت و نقطه عزیمت منصور حکمت در تمام طول حیات مبارزاتیش بود. نه فقط جوهر سیاستش، نه فقط جوهر شخصیتش مبارزه اش، بلکه جوهر شخصیتش بود و نه فقط در زندگی سیاسی اش، بلکه در زندگی شخصی اش. با دوستانش، با خانواده اش، با من، با بچه ها و با مادرش.

یادم است یک بار فردی به من گفت که شما خیلی کیش شخصیت دارید، مثل یک سکت. پاسخ او را باید محول کرد به اوضاع کنونی جامعه. اکنون که کمونیسم کارگری روز به روز دارد گسترده تر و توده ای تر میشود. حزب دارد در جامعه معرفی میشود و محبوب تر میشود، و می بینیم که هر چه حزب را بیشتر می شناسند، بیشتر منصور حکمت را دوست دارند، بیشتر به او درود میفرستند و زنده باد منصور حکمت میگویند، مردم دارند زنده باد منصور حکمت

صفحه ۶

کرد که ما در تمامی زمینه ها اسلام سیاسی و تمامی ارتجاع دینی را در محیط زیست و کار خود مورد نقد قرار میدهم و بجای آن آزادیخواهی و برابری طلبی را جایگزین میکنیم و مردم را به ساختن دنیای سرشار از برابری و رفاه و شاد و بدست خود دعوت میکنیم و امکان پذیری آنرا همین امروز اثبات میکنیم و فرا میخوانیم. فرا میخوانیم که در حزب کمونیست کارگری گرد آیند و این حزب است که ستاد انقلاب است و این حزب است که منصور حکمت در انقلاب با آن تداعی میشود. و تلاش در جهت سیاستهای این حزب بهترین گرامیداشت این انسان نازنین و دوست داشتنی است. *

منصور حکمت کاری کرد که ...

روجا امیدی از ایران

امروز روز پنجشنبه 16 تیر برابر با 7 جولای است. بعد از یک هفته کار به خانه برگشتم. بمناسبت سالروز درگذشت منصور حکمت با جمعی از دوستان دور هم جمع شدیم و یاد و خاطره اش را با مروری بر مباحثش و تقدیم پنج کتابچه از آثارش به دوستان مختلف گرامی داشتیم. همینکه از در وارد شدم برنامه کانال جدید شروع به پخش سخنرانیهای مراسم کرد. با اینکه شدت خسته بودم، ولی با دیدن

چهره رفیق سیاوش دانشور برای معرفی برنامه نشستم پای تماشای برنامه و تا به آخر. یک ساعت و نیم از جابم بلند نشدم و با دقت برنامه را تماشا کردم. واقعا عالی بود و بحق در گرامیداشت این انسان بزرگ هر کدام از رفقا با توجه به کمی وقت برنامه کم نگذاشتند و حق مطلب را ادا کردند. هر سه سخنرانی جالب بود و هر کدام از زاویه ای بر اهمیت کار منصور حکمت تاکید داشتند. در چهره رفیق حمید تقوائی

از صفحه ۱

وضع سیاسی در ایران

تغییراتی خواهد شد؟ برای بررسی اوضاع از نتایج دور دوم مضحکه انتخابات رژیم اسلامی شروع میکنیم.

رفسنجانی قربانی شد

در دور دوم مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی احمدی نژاد در مقابل رفسنجانی قرار داده شد. قرار گرفتن این دو تن در این روند از کشمکش جناحها نه نشان رای و تمایل مردم به این دو کاندیدا بلکه قبل از هر چیز نشاندهنده موقعیت و وزن باندها و دستجات حاکم حول و حوش دو گروهبندی اصلی درون حاکمیت اسلامی و نتیجه عدم توافق بر سر اینکه چه کسی باید از صندوق بیرون آورده شود، بود. نماینده جناح راست و جناح رفسنجانی باید در این دور قرار میگرفتند. این موضوع توافق و بند و بست جناحها بود. موضوع کشمکش اما سرنوشت دعوا و نتیجه این زور آزمایی بود. جناح راست يك "تیر خلاص زن" بی نام و نشان را به عنوان کاندید خود در جلوی صحنه قرار داد. اما در عین حال عزم خود را برای یکسره کردن تکلیف جناح بندیهای رژیم در راس حاکمیت بوضوح نشان داد. جناح رفسنجانی با تمام قوا و با کارت رفسنجانی بازی میکرد. هزینه و ثمره احتمالی اتخاذ چنین استراتژی سیاسی برای جناح رفسنجانی بسیار بالا بود. "یا همه چیز یا هیچ چیز".

حاکمیت بر محور "تیر خلاص"

جناح راست قدرت سیاسی را در حاکمیت اسلامی کاملاً قبضه کرد. اکنون يك باند به بهای گزافی در درون حاکمیت رژیم اسلامی تمامی قدرت را در دست گرفته است. این تحول نشان از پایان يك دوره در حیات سیاسی رژیم اسلامی دارد. علل و مبنای روی آوری به این موقعیت در رژیم اسلامی کدامند؟ چرا احمدی نژاد؟

پوچ است اگر تصور کنیم که میزان رای اعلام شده به احمدی نژاد بیانگر آراء جناح راست و یا تمایل مردم به این جنایتکار از میان دو جنایتکار کاندید در جامعه است. این موجودات کربیه اسلامی در جامعه ایران رای را از آن خود نخواهند کرد. احمدی نژاد منتخب هیچ مردمی نیست. نماینده دون پایه ترین و هار ترین جناح رژیم آدمکشان اسلامی است. جناح خامنه ای و باندهای پیرامونی اش با انتصاب احمدی نژاد رسماً به خصلت شبه ائتلافی و ترکیبی رژیم اسلامی پایان دادند. اینها میدانند که تنها با کشتن و زدن و ایجاد رعب و وحشت و قلدری بطور سیستماتیک میتوانند هیولای خدا و اسلام را زنده نگهدارند. اینها میدانند که هر ذره سازش و عقب نشینی در قبال مردم منجر به جاری شدن سیل اعتراضی مردم و سرنوشتی رژیم اسلامی خواهد شد. جناح دوم خرداد و در کنارش جناح هاشمی را کنار زدند چرا که عملکرد جناح دوم خرداد و یا هر درجه رویکرد به آن را منجر به از دست رفتن کل بساط اسلام میدانند.

ظرفیت مبارزاتی مردم را دیده اند. میزان نفرت مردم از اسلام، حکومت اسلام و خدا را میدانند. شعارهای مردم در اعتراضاتشان را شنیده اند. پرچم های سرخ را در تظاهراتها دیده اند. شعارهای آزادی و برابری حق مسلم ماست را شنیده اند. میدانند که نقطه سازی میان رژیم و مردم وجود ندارد. دچار چنین توهم و ساده انگاری نیستند. میدانند که مردم برای سرنوشتی حکومت اوباش و آخوندها و اسلام روز شماری میکنند. بوی الرحمن رژیم اسلامی را در فضای جامعه استشناق کرده اند. میدانند اگر امکان و شانس برای بقاء چند روز بیشتر داشته باشند تنها در سایه شمشیر خونین اسلام و قدرت لشکر اجاره ای چاقوکشان و چماقداران حرفه ای و حاکمیت "تیر خلاص" است. اما روی آوری به این آرایش در این دوره نه نشان قدرت رژیم اسلامی بلکه حاکی از استیصال آن است. چاره ای ندارند. اینها لرش زمین در زیر رژه سنگین مردم را حس کرده اند. با این اقدام يك قدر به سرنوشتی نزدیک تر شده اند.

پایان یک الگوی حکومتی

با پایان مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی، الگوی حکومتی دوم خردادها هم به پایان میرسد. دوم خرداد فقط راه حلی برای خروج از بن بست تاریخی و سقوط محتوم رژیم اسلامی نبود. يك الگوی حکومتی بود. چه در ایران و چه در خاورمیانه. در عین حال تلاش و الگویی بود برای حکومتی متکی بر سازش میان جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی و غرب. علاوه بر تقلاي کودنانه برای خروج جمهوری اسلامی از بن بست محتوم خویش تلاشی بود که نتوانند در سطح خاورمیانه الگویی از حاکمیت اسلامی بدست دهند که غرب بتواند با آن کنار بیاید. در سازش و در کنارش احساس آرامش کند. مناسباتش را با این جریان و این الگو از حکومت اسلامی حداقل به درجه ای عادی کند. این یکی از رویاهای منطقه ای جریان اسلامی دوم خرداد بود. استقرار حاکمیت دوم خردادی در ایران شرط تثبیت این الگوی حکومتی اسلامیست در خاورمیانه و تامین نقطه سازش و توافق با غرب بود. قادر نشدند. شکست خوردند.

دوم خرداد از مردم شکست خورد. و توسط جناح راست اسلامیستها به کنار زده شد. در

کشمکش میان جناحها و جریانها گوناگون اسلامیستی قادر نشد الگوی با دومی بدست دهد. الگویی که بتواند نقطه طلایی از سازش بدست دهد. حمایت بخشی از جامعه را جلب کند و اطمینان خاطر برای بخشها و جناحهای دیگری از جریان اسلامیستها باشد. الگوی حکومتی دوم خردادها دارای دو رکن پایه ای بود. در سطح داخلی باید قادر میشدند پایه های حکومتی اسلام را گسترش دهند. قادر شوند نیروهای خود قرار دهند و حمایت آنها را و به این اعتبار حمایت بخشهایی از جامعه را به خود جلب کند. از طرف دیگر قرار بود مناسبات رژیم اسلامی با غرب را تعدیل کنند. تصویری از يك حکومت اسلامی "دمکراتیک" و نه "یاغی" و مدافع تروریسم اسلامی. رژیمی اسلامی، اما نه رو در رو در حیطه های استراتژیک عملکرد و منافع غرب. الگویی که قادر شود درجه ای از رشد و شکوفایی اقتصادی و یا حداقل عادی سازی مناسبات تجاری و اقتصادی هم به دنبال داشته باشد.

چنین تغییر و تحولی و استقرار الگوی حکومتی دوم خرداد در گام اول مستلزم کنار زدن و حاشیه ای کردن جریانها اولترا راست اسلامی بود. دوم خرداد نه تنها فاقد چنین ظرفیتی بود بلکه در مقابل اولین تهاجم جناح راست کرنش کرد. و عملاً خود شرایط زوال خود را فراهم کرد. ظرفیت و موقعیت دوم خرداد اما يك رکن شکست این پروژه بود. رکن دیگر و عامل پایه ای شکست این پروژه عدم پذیرش از جانب مردم است. مردم نشان دادند دوم خرداد را نه روشی برای زندگی و حاکمیت سیاسی بلکه مجرای برای شکست و خلاصی نهایی از کل دستگاه اسلام و اسلامیستها میدانند.

با شکست دوم خرداد افق منطقه ای اسلامیستها برای بقا و تبدیل شدن به يك پای دائم قدرت سیاسی در منطقه و سهم ببری از قدرت سیاسی در خاورمیانه عملاً نیز کور میشود. جنبش اسلام سیاسی پایان يك دوره نه در حیات سیاسی خود در ایران بلکه علاوه بر این در چشم انداز خود برای بقا و تبدیل شدن به جزئی ثابتی از قدرت سیاسی در خاورمیانه قرار داده شده است. اسلام سیاسی نیرویی شکست خورده است.

از صفحه ۱

گزارشی از ...

حرف دل همه است. اگر حالا ژوبین بود ...

یاران و همسنگران ژوبین که بخشی شان حتی او را ندیده اند به ادای احترام او و کارل مارکس پای بنای یادبودشان گل میگذارند و در سگوت گورستان های گیت به فکری عمیق فرو میروند. صورتها را که نگاه میکنی اشک در آن لغزان است. اما عزم را و شکست ناپذیری را بخوبی میتوان مشاهده کرد. آخر این جمعیت سال بعد سال زخم خورده اند اما به مارکس و منصور حکمت وفادار مانده اند. سید گلی را میبینم که از جانب جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران ارسال شده است. خبر اینست که در تهران و شهرستانها قرار است مراسمهایی به یاد منصور حکمت برگزار شود.

آذر ماجدی سکوت را میشکند و از جمعیت برای حضورشان تشکر میکند. در چهره مصمم آذر در عین حال زخمی عمیق از فقدان ژوبین میتوان دید، اظهار امیدواری میکند که با پیروزی ما در ایران منصور حکمت و دوباره مارکس جهانی شوند و ... دیر نیست امروز، با پیروزی انقلاب در ایران، های گیت مارکس و منصور حکمت به میعادگاه مشتاقان آزادی و سوسیالیسم تبدیل شود ...

حمید تقوائی یار و همسنگر قدیمی و لیبر حزب رشته سخن را بدست میگیرد و از جانب حزب به حاضرین خوش آمد میگوید. چهره حمید و کلامش انقلابیگری کمونیستی را تداعی میکنند. او که بیشتر زندگی اش را همراه با منصور حکمت سپری کرده است فوری سراغ انقلاب و "جرم انفجاری" حکمت میروند. هر ذهنی از سخنان حمید این را میفهمد که دارد در های گیت میگوید حکمت از سده ها فراتر خواهد رفت و به جمع این را یادآوری میکند که باید پیروز شویم، این را به ژوبین و جامعه و هر کودکی مدیونیم!

بدنبال اجتماع در های گیت مراسم گرامیداشت منصور حکمت در سالنی ادامه یافت. مسئولین سالن را به شکل کلاسیک و زیبایی تزیین کرده بودند. عکسهای ژوبین پشت میز کتاب توجه مراجعه کننده را بخود جلب میکرد. سی دی های سخنرانی، مجموعه آثار، تی شرت،

گل سینه و کارت و غیره روی میز جا داده شده بود. از متریالهای جدید جلد اول مجموعه آثار منصور حکمت مربوط به ادبیات دوره مارکسیسم انقلابی جلب توجه میکرد. همینطور بیوگرافی منصور حکمت که کتابی است از سهیلا شریفی.

مراسم با خوش آمد و سخنان سیاوش دانشور آغاز شد. ... سه سال پیش در ۴ ژوئیه ۲۰۰۲ ژوبین عزیز ما بر اثر بیماری سرطان درگذشت. سه سال گذشته است، اما هنوز جای عزیزش بسیار خالیست! نه فقط در عرصه سیاست ایران و جهان و در راس مبارزه انقلابی و کمونیستی بشریت کارگر، بلکه در میان خانواده و نزدیکانش، در زندگی روزمره ما، در قلب و ذهن رفا و همسنگران، و در میان تمام کسانی که او را مظهر آرمانخواهی سوسیالیستی و تلاش فردی و جمعی برای تغییر جهان میدانستند! امروز در سومین سالگرد فقدان ژوبین عزیز، باردیگر جمع شده ایم تا با او و آرمان والایش تجدید پیمان کنیم! جمع شده ایم اعلام کنیم که پرچم کمونیسم مارکسیستی و کارگری منصور حکمت، با قاطعیت، قطب نمای حرکت سیاسی و حزبی ماست! جمع شده ایم اعلام کنیم علیرغم زخم عمیق فقدان منصور حکمت، حزب کمونیستهای کارگری، حزب منصور حکمت، در مرکز سیاست ایران میدرخشد! و جای نادر عزیز ما بسیار خالیست که عروج سوسیالیسم کارگری و کمونیسم رادیکال را در قلب ارتجاع سرمایه داری ببیند!

جمع شده ایم اعلام کنیم حق با او بود که دنیا را به سوسیالیسم فراخوان میداد و با صدای رسای یک رهبر کمونیست سازش ناپذیر اعلام میکرد؛ دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم به یک و بدون "منجباب بدل میشود! جمع شده ایم اعلام کنیم؛ نه تهاجم راست جهانی و نظم نوین بوش و شرکا، نه صف مجیزگویان بورژوازی که گذشته را به ما وعده میدهند، و نه حمله راست سوسیالیسم گریز قادر نیست پرچم کمونیسم کارگری و حزبش را نیمه افراشته کند! این پرچم و این آرمان برافراشته تر و اجتماعی تر از هر زمانی است! امروز بیش از هر زمان

جامعه تشنه آزادی و محتاج کمونیسم ایران، کمونیسم رادیکال و سازش ناپذیر منصور حکمت، حزب سوسیالیسم فورا، حزب کمونیست کارگری را فراخوان میدهد!

امروز در سومین سالگرد فقدان ژوبین عزیز جمع شده ایم اعلام کنیم که برای نبردهای سرنوشت ساز آماده ایم و برای رهبری و سازماندهی انقلاب کمونیستی کارگری علیه یکی از هارترین و مرتجع ترین رژیمهای سرمایه داری وارد قسمت گود استخر سیاست ایران شده ایم! امروز، روز پیروزی، ما تصویر جهان را تغییر خواهیم داد و جنبش کمونیسم بین الملل طبقه کارگر و دهها حزب منصور حکمتی چهره جهان را با امید و پیام تغییر و سرود انترناسیونال عوض خواهند کرد! ...

سرود انترناسیونال آغاز شد و بلافاصله ژوبین تریبون را در دست گرفت و سالن را به فضای کنگره دوم حزب برد. گوئی در همان لحظه میان ماست. ویدئوی سخنرانی افتتاحیه منصور حکمت در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران پخش شد. منصور حکمت از کمونیسم و قدرت سیاسی سخن میگفت و امر تغییر. اگر دنیا بدست ما باشد کودکی گرسنه نخواهد خوابید، اگر دنیا دست ما باشد هیچ کسی بی سرپناه نخواهد بود، اگر دنیا دست ما باشد کسی را استثمار نخواهد کرد ... کمونیسم یعنی مقدار زیادی خوشبختی، یعنی مقدار زیادی آزادی، یعنی مقدار زیادی رفاه، کمونیسم یعنی تغییر در زندگی انسانهای معاصر خویش، یعنی ... بعد از استراحتی و رد و بدل حرفهای در دل مانده و احساسات و عواطف مراسم با چند سخنرانی ادامه یافت. آذر ماجدی، حمید تقوائی و علی جوادی سخنرانان این مراسم بودند.

آذر ماجدی در باره شخصیت منصور حکمت و نگاه همه جانبه او به سیاست و زندگی و تحزب و در عین حال نگرانی همیشگی اش از وضعیت اطرافیان سخن گفت. از جای خالییش گفت و حرفه پرشدنی یک شخصیت سیاسی که زندگی را ساده میکرد. او تاکید کرد که حق با او بود که عنوان کرد تصویرها بشدت عوض میشوند و خودش در تغییر تصاویر نقش ایفا میکرد. او آینده و روندهای سیاسی را می دید، برایش برنامه میریخت، آماده میشد و حزب

را از مراحل تعیین کننده عبور میداد. آذر ماجدی تاکید کرد که بنا به شواهد مختلف حزب در قسمت گود سیاست ایران است و این موقعیت جدید حزب را مدیون جایگاه منصور حکمت و دوراندیشی سیاسی او میدانست. آذر ماجدی تصریح کرد که دلیل اینکه کمونیسم کارگری هر روز جلو میبرد و در عین حال فقدان منصور حکمت بیشتر احساس میشود اینست که کمونیسم کارگری منصور حکمت برسر فلسفه و تاریخ و غیره نیست، برسر انسان است. برسر همان جمله معروفش است که اساس سوسیالیسم انسان است، نه فقط در سیاست بلکه شخصیت خود او نیز همین است. ما جلو میرویم و هر روز جای خالی او را بیشتر احساس خواهیم کرد...

حمید تقوائی تاکید کرد که عادت کردن به نبود نادر سخت است و من هم مانند آذر نمیتوانم عادت کنم. حمید تقوائی بر یک نکته تأمل کرد که ما در دورانی با سر افراشته ایستادیم و جهان را به مضاف میطلبیم که دنیا داشت شکست کمونیسم را اعلام میکرد و منصور حکمت در مقابل این یورش جهانی سنگریندی کرد و ما امروز در این موقعیت هستیم. او به شرایط تاریخی متفاوت دوره لنین و مارکس و منصور حکمت اشاره کرد. ... برای اینکه شما زمانی که تمام تاریخ و دنیا به شما حمله میکند بتوانید بایستید، باید به این دنیا نقد عمیق داشته باشید. منصور حکمت این دنیا را در بهترین شکل اش نمیخواست، به آن عمیقاً نقد داشت و خلاف جریان عمل کرد. او زمانی که گفتند که کمونیسم تمام شد، لیبرالیسم تمام شد، بیمه بیکاری تمام شد و مجسمه های لنین را یخاک کشیدند، گفت این دنیا را قبول ندارم و انسان باید و میتواند بهتر زندگی کند. او در مقابل این موج عظیم راستگرایی با پرچم بازگشت به مارکس و دفاع از حرمت انسان ایستاد. او آنتی دورینگاهی دوره ما را نوشت و پاسخ به خاک کشیدن لنین را داد، چون به دنیا و سرمایه داری و همه چیز نقد داشت و قبل از منصور حکمت شدن این نقد را داشت. او بلند پروازی ماکسیمالیست بود که در تاریخ و مارکسیسم ضرب شد و آرمانخواهی اش را به امر روز تبدیل کرد. او سوسیالیست بود برای اینکه همین امروز بهتر زندگی کند، برای اینکه انسان انسان باشد، و

رادیکالیسم چیزی نیست جز بازگشت به ریشه و ریشه برای انسان خود انسان است...

و سخنران آخر مراسم گرامیداشت منصور حکمت علی جوادی بود. علی جوادی در مورد اینکه نادر کی بود صحبت کرد. او گفت منصور حکمت فشرده و خلاصه تاریخ بود. تاریخ در هر دوره افراد و چهره هایی را بدست میدهد که با آن عجین هستند و دوره خویش و آینده را ترسیم میکنند. او در زمره نوایی بود که در آن دوران معین سهمش را ادا نکرد اما متعلق به آینده بود. برای شناخت او اگر دوران او را بررسی کنیم، یعنی دوره ای که جنبشهایی به بن بست رسیدند، به آخر راه خود رسیدند و گویا تاریخ دارد در نقطه ای فشرده میشود، در دوره ای که بقول خودش تشخیص انسانها از لجنی که همه جا با تز "پایان تاریخ" پراکنده شده بود سخت بود، او تمامیت برون رفت از این تاریخ و ترسیم آینده بود. او در گوشه گوشه تئوری و نقد و تحزب و سیاست انسان را مینا قرارداد، انسانی که بی معنا شده بود و او تلاش داشت از او اعاده حرمت کند و راه خوشبختی اش را ترسیم کند. منصور حکمت با نقد کمونیسم قبل از خویش کمونیسم همه جانبه و شفاف و افق تحقق آن را در مقابل جامعه قرار داد. جایگاه منصور حکمت در تاریخ در این تلاقی تاریخی قابل توضیح است و منصور حکمت را بعنوان یک فرد در این تاریخ باید با غولهای فکری جهان معاصر مقایسه کرد. او کمونیسم را محبوب و محترم کرد و این هنوز گامهای اول است. حزب منصور حکمت اینجاست و ما میرویم که با پیروزی منصور حکمت و کمونیسمش را جهانی کنیم. ما این را به تاریخ، به منصور حکمت و به جامعه بشری مدیونیم!

مراسم سومین سالروز درگذشت منصور حکمت با سرود انترناسیونال پایان یافت.

یکشنبه سوم ژوئیه انجمن مارکس لندن سمیناری با عنوان منصور حکمت و تحولات جاری و آتی برگزار کرد. سخنرانان این سمینار مصطفی صابر، حمید تقوائی و علی جوادی بودند. در این مراسم پیام همبستگی از جانب جمعهای دانشگاهی و مراکز آموزشی بمناسبت سومین سالروز درگذشت منصور حکمت به حزب و آذرماجدی ارسال شده بود که توسط یکی از نمایندگان آنها قرائت شد. *

پلنوم بیست و سوم کمیته مرکزی حزب برگزار شد

رمضانعلی، عصام شکری، مصطفی صابر، حسن صالحی، اصغر کریمی، خلیل کیوان، آذر ماجدی، سیاوش مدرسی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه.

پس از دو روز مباحث ارزنده در زمینه های مختلف، پلنوم با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

در اولین نشست دفتر سیاسی که بلافاصله بدنبال پلنوم برگزار شد آذر ماجدی به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد.

**کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۰ ژوئیه ۲۰۰۵

دیگر نیز بر ضرورت سازماندهی سریع این عرصه تاکید کردند. پلنوم فرصت پرداختن به قرارها و قطعنامه های ارائه شده را نیافت که به دفتر سیاسی حزب ارجاع گردید. انتخابات برای دبیری کمیته مرکزی و اعضای دفتر سیاسی از دیگر دستورات پلنوم بود. پلنوم حمید تقوایی را به اتفاق آرا به دبیری کمیته مرکزی و ۱۷ نفر را به شرح زیر به عنوان دفتر سیاسی حزب انتخاب کرد:

محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، فاتح بهرامی، علی جواد، سیاوش دانشور، شهلا دانشفر، نسرين

جنبش سرنگونی، نقش تعیین کننده حزب، تاثیرگذاری حزب بر جامعه و همچنین کمبود در زمینه های مختلف را مورد بررسی قرار داد و سپس حاضرین نسبت به جوانب مختلف مساله و مبرم ترین وظایف حزب در این مقطع به بحث و تبادل نظر پرداختند. از جمله موانع مهم در مقابل حزب، کمبود منابع مالی است که بسیاری از فعالیت های حزب را با کندی مواجه کرده است. اصغر کریمی ضمن اشاره به وضعیت بد مالی به راههای مختلف بهبود وضعیت مالی و ضرورت صرف نیروی بیشتر در زمینه جلب کمک مالی از مردم پرداخت و سخنرانان

دفتر سیاسی حزب در سخنرانی خود اوضاع سیاسی در ایران، موقعیت ویژه حزب، گسترش نفوذ سیاسی و تشکیلاتی و گسترش بی سابقه تماس با حزب و تلویزیون انترناسیونال را مورد بحث قرار دادند. سپس بحث جامعی از جانب اعضای شرکت کننده در پلنوم حول این گزارشات و موقعیت حزب صورت گرفت.

اوضاع سیاسی ایران مبحث دیگر پلنوم بود که توسط حمید تقوایی معرفی شد. حمید تقوایی ضمن بحثی مشروح در مورد تحولات سیاسی اخیر در ایران، جنبش کارگری و موقعیت کنونی

در روزهای ۷ و ۸ ژوئیه پلنوم ۲۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی، مشاورین کمیته مرکزی و همچنین تعدادی از کادرهای حزب برگزار شد. دستور این پلنوم عبارت بود از گزارش عرصه های مختلف فعالیت حزب، اوضاع سیاسی ایران و نقش و وظایف حزب در مقطع کنونی، وضعیت مالی حزب و انتخابات.

گزارش کتبی عرصه های مختلف فعالیت در اختیار پلنوم قرار گرفته بود و حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی و آذر ماجدی رئیس

جنایت اسلامیا در لندن را محکوم میکنیم

قربانیان نظم نوین و دمکراسی بوش و شرکا قتل طیب احسان و ابوغسان در موصل را محکوم میکنیم

بوش و بلر و جریانات اسلامی و ناسیونالیست و قوم پرستی هستند که امروز دسته جمعی جامعه عراق را به فقره برده اند. اینان قربانیان دمکراسی نظم نوین جهانی هستند که هدیه اش برای مردم عراق جز ترور و سبیت، انفجار و انتحار، سربریدن و گرونگانگیری نبوده است. پایان دادن به این توحش و سیکل جنایت و جنگ در عراق در گرو به میدان آمدن بشریت متمن و کارگران با پرچم يك عراق آزاد و برابر و سکولار است.

حزب کمونیست کارگری ایران قتل طیب احسان و ابوغسان را قویا محکوم میکند و به حزب کمونیست کارگری عراق و خانواده و دوستان آنها صمیمانه تسلیت میگوید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ تیر ۱۳۸۴ - ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۵

بنا به گزارش حزب کمونیست کارگری عراق روز ۱۸ ژوئن، طیب احسان کادر حزب کمونیست کارگری عراق و یکی از دوستانش به نام ابوغسان، با ماشین شخصی در مسیر شرقات - موصل مورد تهاجم يك گروه راهزن قرار میگیرند. سارقین ماشین و اموال طیب و ابوغسان را میزدند و هر دو نفر را به طرز فجیعی به قتل میرسانند. بنا به خبر مدتی بعد جنازه آنها در توب عدلی از توابع موصل پیدا میشود.

طیب احسان از کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق و از فعالین ایجاد تشکل های کارگری در عراق بود. طیب احسان و ابوغسان را راهزنان و گروههای آدمکشی به قتل رسانند که امروز در همه جای عراق زندگی و امنیت را از مردم عراق سلب کرده اند. اما قاتل واقعی آنان و دهها نفری که هر روز در عراق ربوده میشوند و به قتل میرسند

اقدام تروریستی بهانه دیگری به دولتهای غربی برای گسترش عملیات میلیتاریستی در سطح جهان و بخاک و خون کشیدن مردم يك کشور دیگر و محدود کردن حقوق و آزادیهای مدنی مردم در خود جوامع غربی بدهد. فراخوان ما به مردم آزادیخواه و بشریت متمن این است که به میدان بیایند و به این وحشیگری از هر سو پایان دهید. بشریت باید خود را از شر جریانات تروریست و آدمکش، چه دولتی و چه غیر دولتی، چه عامه به سر و چه پاکون به دوش، خلاص کند. جهان باید از دست بمب گذارها و ژنرالها آزاد شود و این تنها کار بشریت متمن، کار جریانات سوسیالیست و آزادیخواه، کار مردم انساندوست و برابری طلب است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ تیر ۱۳۶۴ - ۸ ژوئیه ۲۰۰۵

افق و انرژی میگیریم. و هر چه جلوتر میرویم، هر چه به آن حزبی که او میگفت نزدیک تر میشویم، این حفره نیز عمیق تر میشود.*

این متن بر مبنای سخنرانی در مراسم یادبود منصور حکمت در دوم ژوئیه ۲۰۰۵ در های گیت در لندن تهیه شده است.

اعدام و سرکوب است. قربانیان این جنبش زنان و آزادیخواهان و سوسیالیست ها و مردم بیگناه در کوچه و خیابان و دیسکوتک ها هستند. بشریت باید در مقابل این هیولای کثیف و جنایتکار قد علم کند و آترا به زاله دان تاریخ سپارد. کشتار مردم بیگناه در لندن گوشه دیگری از مسابقه آدمکشی و تروریستی است که پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر در سطح جهان برافزوده است. در يك طرف این مسابقه جنایت و آدمکشی جریانات و دولتهای تروریست اسلامی و در سوی دیگر دولتهای ارتجاعی غرب و در راس آنها دولت آمریکا مجهز به سهمگین ترین ماشین نظامی و میلیاریستی صف آرای کرده اند و همدیگر را تغذیه میکنند. قربانیان این جنگ و آدمکشی تنها مردم بیگناه و عادی هستند.

به این مسابقه آدمکشی باید پایان داد. نباید اجازه داد که این

بار دیگر جنایتی تروریستی مردم جهان را در بهت و حیرت فرو برد. قربانیان این جنایت اینبار مردم لندن بودند. انفجار در شبکه مترو و اتوبوسرانی لندن در روز ۷ ژوئیه ۲۰۰۵ بیش از ۵۰ کشته و ۷۰۰ زخمی بجا گذاشته است. حزب کمونیست کارگری به بستگان قربانیان این فاجعه تسلیت میگوید و خود را در غم آنان شریک میدانند. قلب ما با بازماندگان و قربانیان این فاجعه انسانی و تمامی مردم داغدیده است.

همه شواهد نشان میدهد که این جنایت، کار تروریسم اسلامی است، ادامه جنایت در بالی، نیویورک و مادرید است و باید توسط هر انسان آزادیخواهی شنید و بدون قید و شرط محکوم شود. کارنامه جنبش اسلامی همه جا بیرحمی و شقاوت علیه مردم بیگناه است. بمب گذاری در معابر و اماکن عمومی است، ترور و آدمکشی است، شکنجه و

از صفحه ۳ بیاد منصور حکمت

وجود دارد، يك چیزی در منصور حکمت هست که هر روز با مردم تنیده تر میشود، هر روز بیشتر در دل مردم جا میگیرد، هر روز جلوتر میرود و هنوز به ما افق میدهد. يك گنجینه غنی برای ما بجای گذاشته که هر روز به آن برمیگردیم و از آن

میگویند. آن وقت است که باید گفت بقول خود منصور حکمت، اگر ما يك سکت بودیم، لابد جام زهر را مینوشیدیم و با هم از این دنیا میرفتیم.

این يك جنبش وسیع و عظیم است. و يك چیزی در این جنبش

Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

دوستاناران منصور حکمت یادش را در تورنتو گرامی داشتند!

منصور حکمت با سخنرانی گرمش که در دومین کنگره حزب کمونیست کارگری در مورد قدرت سیاسی ایراد کرده بود با حضار سخن گفت. در ادامه برنامه حمید تقوایی لیبر حزب در ابتدای سخنرانی اش با تقدیم دسته گلی به سعیده رزانی گرامی، مادر منصور حکمت عزیز، ادای احترام کرد. حمید تقوایی در سخنرانی اش به نقش و تاثیر این مارکسیست بزرگ معاصر در سیاست ایران و جهان پرداخت و به جنبه انسان گرایی عمیق تفکر منصور حکمت اشاره کرد. سمیر نوری از هیات اجرایی حزب کمونیست کارگری چپ عراق دیگر

به دعوت حزب کمونیست کارگری ایران جمعه ۸ جولای در تورنتو - کا نادا مراسم بزرگداشت منصور حکمت رهبر، بنیان گذار و سازمانده کمونیست کارگری برگزار شد. در این مراسم بیش از ۱۰۰ نفر از دوستاناران منصور حکمت این رهبر برجسته کمونیست کارگری حضور بهم رساندند تا به این شخصیت بزرگ تاریخ معاصر سیاسی ادای احترام کنند.

برنامه با خوش آمد گویی محمود احمدی مجری برنامه به حضار شروع شد. در ابتدای مراسم گوشه‌هایی از فیلم مراسم یادبود هایگیت لندن پخش شد. سپس

گرامی یاد باد و خاطرہ منصور حکمت!
زنده باد آزادی، برابری و سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری
شرق کانادا

تظاهرات امروز تهران، مردم در برابر حکومت اسلامی: زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

جوانان بعد از هر هجوم ماموران دوباره جمع میشدند و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد سر میدادند. شعار های دیگری از جمله "مرگ بر استبداد"، "دانشجو، کارگر، اتحاد اتحاد" و "زنده باد آزادی و برابری" نیز مواردی شنیده میشود. در جریان حمله نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی به تظاهر کنندگان، ساکنین و کسبه منطقه به تظاهرات کنندگان پناه میدادند. جمعیت تظاهر کننده در جنگ و گریز صدها نفر بود، اما مردم زیادی در خیابانهای اطراف میدان انقلاب و دانشگاه جمع شده بودند که تنها وحشیگری زاید الوصف اوپاش اسلامی مانع از شکل گیری یک تظاهرات بزرگ توده ای میگردد. نقش زنان و دختران در تظاهرات کاملاً چشمگیر بود. فضای خیابانهای اطراف دانشگاه تهران امروز بروشنی یادآور سالهای آخر حکومت شاه و هر رژیم استبدادی بود که به تمامی و بدون هیچ حائلتی در برابر نفرت شهروندانی قرار گرفته که

همه میدانند وقت رهایی از شر حاکم فرا رسیده و همبستگی و شور انقلابی در بین آنها قوام میگردد. تظاهرات امروز پاسخی بود به مضحکه انتخاباتی اخیر رژیم و تلاشی بود برای شکستن سد حکومت نظامی اعلام نشده ای که در طی انتخابات و در جریان ۱۸ تیر از سوی حکومت برای مقابله با مردم برقرار بود. تظاهرات امروز تاکید دیگری بر پتانسیل انقلابی فزاینده مردم به جان آمده علیه رژیم جنایت و فقر و بی حقوقی اسلامی بود.

حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه را به گسترش مبارزه انقلابی بر علیه جمهوری اسلامی، برای تحقق آزادی و برابری، به ادامه نبرد برای آزادی زندانیان سیاسی و از جمله آزادی فوری دستگیر شدگان تظاهرات امروز فرا میخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

است. استراتژی شکست خورده ای است. تکان های شدید و نقطه عطفهای جدیدی در راه است. در قسمت بعدی به موقعیت جنبشهای اجتماعی، محورهای تلاقی و کشمکش اجتماعی در جامعه و اولویتهای کمونیسم کارگری باید پرداخت. *

گزارشی از نتایج مذاکره کارگران اخراجی شاهو در سنندج

به کرسی بنشانند* توافقات به عمل آمده به ترتیب زیر است:

- 1- روز دوشنبه ۲۰ تیر ماه کارگران اخراجی همگی به سر کار بازگردند*
- 2- یک شیفیت کاری را به این ۳۰ کارگر اخراجی تحویل دهند*
- 3- تمامی حقوق و مزایایی کارگران پرداخت شود

در طول روز که تجمع کارگران ادامه داشت از طرف مطبوعات با چند نفر از کارگران مصاحبه های انجام گرفته است* علاوه بر این گزارشگران محلی نیز حضور داشتند و از این اعتراضات گزارش تهیه کردند*

کارگران با توجه به نقض تعهدات قبلی از طرف مقامات دولتی و کارفرما به این تعهدات هم زیاد اطمینان ندارند* در پایان مذاکره، نماینده کارگران اعلام کردند هر نوع سیاست تفرقه افکنانه و هر نوع نقض تعهدات مورد توافق با اعتراضات وسیعتر کارگران روبرو خواهد شد*

در طول این اعتراضات صدها نسخه از اطلاعیه خبری کارگران شاهو که خطاب به مردم نوشته بودند، توسط همسران کارگران در میان عابرین پیاده و ماشینهای که عبور می کردند پخش گردید* کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این پیروزی را به کارگران شاهو تبریک میگردد* اتحاد و همبستگی کارگران شاهو علیرغم ترفندهای متعدد کارفرما و مقامات دولتی برای ایجاد تفرقه در میان آنها حاوی درسهای با ارزشی است* رمز موفقیت کارگران در این حرکت اتحاد آنها بود*

زنده باد اتحاد کارگری!
زنده باد کارگران شاهو!
زنده باد اتحاد و همبستگی همه کارگران!

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
asangaran@aol.com

در اطلاعیه قبلی به اطلاع رساندیم که کارگران اخراجی کارخانه شاهو ۳۰ دقیقه در مقابل اراده کارسنندج تجمع کردند* همانجا تاکید کردیم که کارگران در حال مذاکره هستند و نتایج را متاقباً به اطلاع میرسانیم* اکنون طبق گزارش رسیده به کمیته کردستان کارگران به پیروزی رسیده اند*

کارگران اخراجی شاهو همراه خانوادههای خود و نمایندگان تعدادی دیگر از مراکز کارگری این شهر در مقابل ادار کار تجمع کردند و خواهان رسیدگی به خواستههای خود شدند.

مردم شهر سنندج و کارگران سایر بخشها در حمایت از کارگران اخراجی شاهو تلاش کردند که به صف کارگران بپیوندند اما با ممانعت نیروهای انتظامی روبرو شدند.

با این وجود بیش از ۷۰ نفر از کارگران و خانواده هایشان در این تجمع حضور داشتند*

تجمع کارگران شاهو و اعتراض این کارگران به کارفرما و مقامات دولتی که با حمایت خانوادههای آنها همراه بود، ماهها است که از کانالهای مختلف پیگیری می شود*

روز ۱۸ تیر از ساعت ۵ عصر مذاکره هیئتی از نمایندگان کارگران با مسئولین دولتی در کمسیون حل اختلاف در اداره کار شروع شد* از طرف اداره کار نادر محمدی و عباسی از طرف کارفرما کابلسور از طرف مدیریت کارخانه مهدویان از طرف کانون شوراهای اسلامی کارگران شهر سنندج عظامحمدیان و رثوف، و نمایندگانی از طرف اداره اطلاعات و حراست، از طرف کارگران شاهو نماینده کارگران اخراجی، فریدون پالیزی و سید هادی احمدی حضور داشتند*

این مذاکرات حدود ۴ ساعت به طول انجامید* در این مذاکرات کارگران توانستند خواستههای خود را

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

اوضاع سیاسی در ایران

از صفحه ۴

شدن آن چه در ایران و چه در خاورمیانه شتاب و سرعت بالایی گرفته است. جمهوری اسلامی پلی نه در پشت سر و نه در رو برای عبور و بقاء ندارد. "بگیر و ببند و سرکوب" جواب نیست. عامل افول

الگویی برای بقاء در قرن بیست و یکم ندارد. حتی نمیتواند به یک دیکتاتوری و استبداد "متعارف" تبدیل شود. تنها یک راه در مقابلشان قرار دارد. باید بروند. روند برچیدن رژیم اسلامی و جارو

در حاشیه رویدادها

سیاوش مدرسی

Siavash.Modarresi@gmail.com



آلمان جهنم کار و بهشت سرمایه!

نام پیتر هارتس، مدیر کارگزینی کنسرن فولکس واگن، بزرگترین کمپانی خودروسازی اروپا تعدادی کننده بی کارسازی های وسیع، لغو ۳۵ ساعت کار، زدن بیمه های درمانی و رفاه اجتماعی، توسعه فقر و وحشت از آینده در آلمان است. "هارتس ۴" نام قسمتی از برنامه رفرمهای اجتماعی گرهارد شرویدر صدر اعظم آلمان است که به "دستورکار سال ۲۰۱۰" معروف است و همین آقای هارتس تلویین کننده آن بوده است.

آقای شرویدر، صدر اعظم آلمان، در گذشته عضو هیات مدیره فولکس واگن و از دوستان بسیار نزدیک جناب پیتر هارتس است. گرهارد شرویدر صدر اعظم سوسیال دمکرات آلمان که دولت ائتلافی سبزها و سوسیال دمکراتهای آلمان را هدایت میکند، با وعده لغو بیکاری، ارتقا سطح زندگی بیکاران، کودکان و بازنشسته ها به میدان رقابتهای حزبی آمد و در عمل ۱۸۰ درجه خلاف تمام وعده و عیبهای انتخاباتیش عمل کرد. در نتیجه اصلاحات اقتصادی ایشان آلمان با رقم رسمی پنج میلیون و دویست هزار نفر بیکار، لغو ۳۵ ساعت کار و تعرض شدید

های تجاری پائین در کشورهای اروپای شرقی باعث شده که بسیاری از روسای کنسرنهای آلمانی در جستجوی سود بیشتر کارخانه هایشان را به کشورهای اروپای شرقی منتقل کنند.

"ایجاد و تضمین مشاغل رقابتی!" جمله مورد علاقه آقای هارتس است. منظور از "مشاغل رقابتی!" توسعه رقابت بین کارگران گران آلمانی و کارگران ارزان بلوک شرق و چین است و در عمل پائین کشیدن سطح مزد و حقوق اجتماعی در کشورهای بلوک غرب به سطح زندگی کارگران در چین و بلوک شرق است. سرمایه مرامی بجز سود آوری ندارد. آمار نشان میدهند که میزان سود آوری کمپانی های غربی بعد از فروپاشی بلوک شرق در تاریخ این شرکتها بسیار بوده است. اما بنظر میرسد که ولع سرمایه داران فروکش ندارد. آقای دیتس هوندت، رییس فدراسیون کارفرمایان آلمان، می گوید: "ما خیلی زیاد دست روی دست گذاشته ایم. دولت در مسیر صحیح گام برمی دارد، و حالا لازم است به این تلاشها ادامه دهیم."

و آقای شرویدر که آرا رای دهندگان را کاملاً از دست داده است در برنامه جدیدش برای "ایجاد شغل!" پیشنهاد میکند که میزان مالیات شرکتها از ۲۵ درصد به ۱۹ درصد تقلیل پیدا کند. چراغ سبزی برای سرمایه داران برای کسب سود بیشتر.

و آقای هارتس که برای "ایجاد و تضمین مشاغل رقابتی!" از هیچ کاری فروگذاری نمی کند اخیراً با رسواییزرگی دست بگریبان شده، رسوایی که باعث استعفای او از

مدیریت کارگزینی کنسرن فولکس واگن شده است. رونامه فایننشال تایمز آلمان گزارش میکند که آقای هارتس صراحتاً دستور داده بود به اعضای شورای کار فولکس واگن هزینه سفر پرداخت شود، ولی از آنها رسیدی دریافت نشود تا نمایندگان کارگران به اصلاحات سفت و سخت ساختار این شرکت رضایت دهند.

اقدامات گرهارد شرویدر صدراعظم سوسیال دمکرات آلمان در حمله به سطح معیشت و رفاه اجتماعی طبقه کارگر در آلمان، حمایت بی چون و چرای حزب سبزها، نقد احزاب دست راستی از "کندی" و "محدودیت!" این تعرضات، رسوایی همکاری و باج گیری رهبران اتحادیه های کارگری با کارفرمایان در این تعرض بی سابقه، عمق و گسترش فاصله طبقاتی، توسعه فقر، بیکاری و محدودیت هردم افزون بیمه های اجتماعی و درمانی و بالاخره اوج گیری نارضایتی و اعتراضات اجتماعی، جامعه آلمان را با بحران اجتماعی عمیقی روبرو کرده است.

جامعه بدون چپ فعال، جامعه ای بدون خطر سوسیالیسم، جامعه ای بدون نمایندگان اعتراض کارگران و مردم، جامعه بهشت سرمایه داران و ذلالت کارگران است. این بحرانی است که سرتاسر جامعه معترض کارگری و چپ را در جهان غرب در خود پیچیده است. پاسخ راست افراطی و چپ میانه به این شرایط باقی ماندن سرمایه داران در درون مرزهای کشوری و ناسیونالیسم است، پاسخی که بدون شک خوشایند جناحهای معینی از سرمایه داری است اما پاسخ واقعی برپائی

تشکلهای فراکشوری کارگری و سوسیالیستی است، باید حداقل سطح مزد و رفاه عمومی اجتماعی را به سطح کشورهای نظیر آلمان رساند. باید کاری کرد که کارگر چینی و کارگران اروپای شرقی و جنوب غربی آسیا از حداقل مزد و ساعت کار و رفاه اجتماعی کارگران غربی برخوردار شوند، "ایجاد و تضمین مشاغل رقابتی!" سرمایه داران و پناه بردن به ناسیونالیسم دو روی یک سکه هستند.

شاید بتوان شرایط امروز را با شرایطی که به ایجاد انترناسیونال اول کارگری در سپتامبر ۱۸۶۴ در لندن انجامید تشبیه کرد. در آن سال کارگران برای مقابله با رقابتی که سرمایه داران بین آنها ایجاد کرده بودند متحد شدند و اولین انترناسیونال کارگری جهان را بنیاد نهادند.

اگر سرمایه داران جهان را دهکده کوچکی برای سود آوری سیری ناپذیرشان تعریف میکنند! اگر سرمایه داران مرزی برای چپاول نیروی کار نمی شناسند! کارگران نیز وطنی برای محبوس ماندن و تن دادن به ذلالت در آن ندارند! کارگران باید تشکلهای فراکشوری خود را بسازند، کارگران میتوانند دهکده جهانی را به آوردگاه مبارزات وسیع کارگری برای رفاه، برای آزادی و بخاطر برپائی دنیای بهتر تبدیل کنن. دهکده جهانی را باید به دهکده رفاه، انسانیت فرا کشوری و بدون مرز تبدیل کرد.

و این مهم تنها از عهده جنبش کمونیسم کارگری ساخته است. *

اطلاعیه پایانی نشست وسیع کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

نشست وسیع کمیته خارج کشور روز ۲۶ ژوئن برگزار شد. در این نشست که اکثریت اعضا شرکت داشتند، در باره الویت ها، وظایف و نقشه عمل و آرایش کمیته خارج بحث و تصمیم گیری شد و تاکید گردید که کمیته براساس پلاتفرم تشکیلات خارج و مصوبات

کنفرانس سراسری تشکیلات امر بازسازی تشکیلات خارج و سیاست سازمان دادن همه اعضا و کادرها در حوزه های حزبی را در اولویت قرار میدهد و همچنین اقداماتی برای جمع آوری کمکهای مالی و بهبود وضعیت مالی تشکیلات فوراً انجام خواهد گرفت. همچنین در این

نشست گسترش تبلیغات و پوشش دادن بخشهای هرچه وسیعتری از مردم از طریق رسانه های مختلف نظیر برنامه تلویزیونی بررسی شد و بعلاوه تصمیم گرفته شد که دور دوم نشریه همراه، ارگان کمیته خارج کشور در اولین فرصت منتشر گردد. در قردادانی از تلاشهای دبیر قبلی

کمیته خارج، رفیق کاظم نیکخواه قراری صادر شد. بدنبال روشن شدن آرایش درونی کمیته، یک هیئت اجرائی هفت نفره برای هدایت و رهبری تشکیلات انتخاب شد. اعضا هیئت اجرائی کمیته خارج عبارتند از: مینا احدی، خلیل کیوان، محبوبه سیاهمردی، حسن صالحی،

بهرام شروش، کاظم نیکخواه و امیر توکلی. خلیل کیوان و محبوبه سیاهمردی بیشتر بعنوان دبیر و خزانه دار کمیته انتخاب شدند.

کمیته خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ ژوئن ۲۰۰۵

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!